



فصلنامه علمی-پژوهشی اخلاقی پژوهی
سال چهارم • شماره دوم • تابستان ۱۴۰۰
Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 4, No. 2, Summer 2021



واکاوی الگوی اخلاقی و رفتاری ائمه اطهار (ع) در برخورد با بردگان

ملیحه دانشمند* | شهربانو دلبری** | سیدحسین رئیس السادات***

doi: 10.22034/ethics.2022.49819.1448

چکیده

رسم و سنت بردباری که مطابق آن یک انسان تحت مالکیت انسانی دیگر قرار می‌گیرد، در آستانه ظهور اسلام و در عربستان رایج بود. گسترش قلمرو اسلامی و فتح مناطقی از آسیا و شمال آفریقا در سده‌های اول و دوم هجری قمری، و ورود بردگان و اُسرا، زمینه را برای رواج و تقویت بردباری در جامعه عرب فراهم آورد و بردگان به ابزار زندگی خانواردهای مرّه و اشراف جامعه اسلامی بدل شدند. پیامبر اکرم و ائمه اطهار (ع) ضمن نقد نگاه ابزارگرایانه به بردگان که در تنافی و تضاد با مبانی حقوق اسلامی است، در رفتار و سلوك فردی خود الگوی اسلامی رفتار با بردگان را به نمایش گذارند. در این پژوهش تلاش شد - با بهره‌گیری از منابع تاریخی و غیر تاریخی - منش و الگوی رفتاری ائمه (ع) نسبت به بردگان مورد بررسی قرار گیرد و با روش توصیفی- تحلیلی، داده‌های به دست آمده تجزیه و تحلیل شود. نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد در شرایطی که نسبت به خلامان و کنیزان - از سر جهل و تعصب - تعیض روا داشته می‌شد، ائمه معصومین (ع) با نگاهی انسانی و برگرفته از مبانی و آموزه‌های اصیل اسلامی، ضمن حمایت حقوقی و اخلاقی از بردگان با آزاد کردن و تعلیم و تربیت آنان، عملًا الگویی از رفتار درست و اسلامی ارائه دادند و جایگاه و منزلت بردگان را ارتقا بخشیدند.

کلیدواژه‌ها

اخلاق اسلامی، الگوی رفتاری ائمه معصومین (ع)، رفتار با بردگان، کرامت انسانی.

*دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

**استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

sh rais@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲ | تاریخ تایید: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

۱. مقدمه

بنا به شواهد تاریخی و پژوهش‌های معتبر، بردهداری در شبه جزیره عربستان پیش از ورود اسلام رواج داشته است؛ به طوری که «بردهداری» یکی از سنجه‌های نظام اقتصادی حاکم بر عرب جاهلی بود. عوامل متعددی ازجمله: بهره‌کشی اقتصادی، تجارت، شهوت‌رانی و فرزندآوری (جواد علی، ۱۹۷۶، ج ۵، ص ۱۳۶) از سوی عرب غالب و شکست، بی خانمانی، اسارت (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۴)، فقر (جواد علی، ۱۹۷۶، ج ۷، ص ۴۵۶) و بی‌سرپرستی از سوی کنیزِ مغلوب در گسترش بردهداری در میان آعراب نقش داشته است. بردهگان در حجاز پیش از اسلام، پست‌ترین طبقه اجتماعی عرب را تشکیل می‌دادند و هیچ حرمت و جایگاهی در اجتماع نداشتند؛ به‌گونه‌ای که پس از خرید برده، ریسمانی به گردنش می‌بستند و اورا مانند چارپایان به منزل خود می‌بردند (زیدان، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۶۱). از نظر آنان، انتخاب همسر از میان کنیزان امری ناپسند و بیشتر برای ازدیاد نسل، بهره‌کشی اقتصادی یا تبارداری برای قدرت بود. عرب با دادن لقب «ولید» به کنیزادگان، جایگاه دونپایه آنان را در جامعه روشن می‌ساخت (جواد علی، ۱۹۷۶، ج ۷، ص ۴۷۱).

اسلام سعی کرد با آگاهی بخشیدن به مردم با این سنت غلط مبارزه کند و با وضع قوانین و ارائه دستور العمل‌هایی مؤثر در جهت بهبود منزلت اجتماعی و رهایی تدریجی بردهگان اقدام نماید. پیامبر اکرم (ص) در طول حیات خویش با سیره عملی خویش و همچنین سخنانی در ذکر اهمیت آزادسازی بردهگان در راه خدا و چگونگی رفتار با بردهگان، مسلمانان را به این امر ترغیب کردند. پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و با گسترش فتوحات و به تبع آن ورود اُسرای جدید از نژادهای متعدد و فراوان، همچنین دوری ائمه (ع) از صحنه سیاست و محروم شدن مردم از سرچشمه احکام الهی، دوباره زمینه‌هایی برای بردهداری در جامعه فراهم شد.

در این راستا ائمه اطهار (ع) با ارائه الگوی رفتاری مناسب، ضمن حمایت حقوقی از بردهگان در راستای ارتقای جایگاه آنان در جامعه تلاش بسیار کردند؛ به طوری که شمار بالایی از بردهگان در منزل ائمه (ع) مورد محبت و تکریم قرار گرفتند و با معارف دینی و احکام الهی آشنا شدند.

۱.۱. پیشینه و اهمیت تحقیق

پژوهش حاضر با هدف دست یافتن به الگوی رفتاری ائمه اطهار (ع) نسبت به بردهگان به زوایایی از زندگی امامان (ع) پرداخته که به صورت همه‌جانبه کمتر مورد واکاوی پژوهشگران قرار گرفته

است، اما در طرح بحث آن می‌توان از منابع مربوط به زندگی نامه‌هایی که برای ائمه (ع) نوشته شده بهره برد. مصطفی حسینی طباطبائی (۱۳۷۲) در کتاب بردگی از دیدگاه اسلام و محمد صادق ایرجی (۱۳۸۰) در کتاب بردگی در اسلام تنها به مبانی بردگی در دین اسلام پرداخته‌اند در مقاله‌ای با عنوان «بردگان از جاهلیت تا اسلام» از عبدالرضا عرب ابوزید آبادی به بررسی تحلیلی بردگی در دوران جاهلیت و اسلام پرداخته شده است، اما در این آثار کمتر به موضوع الگوی رفتاری ائمه اطهار (ع) نسبت به بردگان نگاه شده و همین نکته ضرورت پژوهش در این موضوع را بیشتر می‌کند.

یکی از مهم‌ترین اهداف انبیای الهی و ائمه اطهار (ع) نهادینه کردن فضایل اخلاقی در میان مردم بوده است. در برخی از آیات قرآن کریم به خوش‌رفتاری با بردگان و تلاش برای آزادساختن آنان به عنوان یک مسئله مهم اشاره شده است. همچنین روایت‌های متعددی از پیامبر اکرم (ص)

و پیشوایان معصوم (ع) درباره رفتار انسانی با بردگان وجود دارد. با توجه به پیشرفت‌های روز افزون ارتباطات و اطلاعات، علم و تکنولوژی، بیش و نگرش و طرز تلقی ما از افراد جامعه و چگونگی برخورد با آنها دستخوش دگرگونی شده و ضرورت پرداختن به ارزش‌ها و اصول و فضایل انسانی با تکیه بر مبانی اسلامی بیش از پیش احساس می‌شود. بر همین اساس، بررسی الگوی رفتاری ائمه اطهار (ع) با اقتدار ضعیف و آسیب‌پذیر اجتماع می‌تواند بهترین راهبرد عملی و تأثیرگذار رفتاری در تعاملات افراد در جامعه امروزی نسبت به یکدیگر باشد. از این‌رو، نگاه عمیق به اندیشه‌ها و افکار و الگوی رفتاری بزرگان دین برای پیش‌گیری و درمان و ایسکارایی اخلاقی جوامع امروزی ضروری است. هدف از انجام این تحقیق تبیین و شناساندن الگوی رفتاری ائمه اطهار (ع) بر اساس سیره عملی آنان نسبت به بردگان که از جایگاه و منزلت مناسبی برخوردار نبودند، است.

بر این اساس، سؤال اصلی این پژوهش این است که شاخصه‌های اصلی الگوی رفتاری ائمه (ع) در برخورد با بردگان چه بود؟ و چگونه می‌توان این شاخصه‌ها را با توجه به سیره عملی ائمه (ع) تجزیه و تحلیل کرد؟

از این‌رو، پژوهش پیش‌رو، با روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد تا نگاهی دقیق‌تر به زندگی و الگوی رفتاری ائمه (ع) داشته و راهبرد رفتاری و عملی آنان را نسبت به بردگان اعم از غلامان و کنیزان مورد واکاوی قراردهد. به نظر می‌رسد، امامان معصوم (ع)، با آزاد کردن و تکریم بردگان و با آموزش و تعلیم و تربیت آنان بر اساس آموزه‌های اسلامی و با ارائه الگوی مناسب رفتاری،



۱۰۷

وکاواي الگوی اخلاقی و رشناي ائمه اطهار (ع) در برخورد با بردگان



۱. مفاهیم کلیدی

«برده» در زبان فارسی به معنای بندۀ زرخربد، غلام و کنیز است؛ دختران و پسرانی که خردباری می‌شوند؛ به برداگان پسر «غلام» و به برداگان دختر «کنیز» می‌گفتند (عمید، ۱۳۶۳، ص ۳۹۵؛ دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۹۵؛ معین، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۳۷). واژه «برده» در زبان عربی، به معنای «عبد» است.^۱ البته، به تعبیر دقیق‌تر، «عبد» مصدقی برای «برده مذکور» بود و به «برده مؤنث»، «آمة» – (مفیدِ إماء) اطلاق می‌شد. این واژه در قرآن کریم نیامده، اما به جای آن لفظ «رَبَّهُ» (به معنای گردن، قفا) به کار رفته است. در قرآن کریم، لفظ «رَبَّهُ» (به معنای گردن، قفا) برای برده و عبارت کنایی «ما مَلَكْتَ أَيْمَانَكُمْ» (سوره نساء، آیه ۳۶) و واژه «جاریه» برای «برده مؤنث» به کار رفته است.

«الگو» – در لغت – به معنای سرمشق، اسوه، مثال و نمونه است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۷۷۹) و در اصطلاح، به فردی اطلاق می‌شود که به لحاظ ویژگی‌ها و خصوصیاتش، صلاحیت یافته تا دیگران از او تبعیت و پیروی کنند. با دیدن کارکرد و رفتار الگوها و دستاوردهای مثبت و عینی آن در زندگی فردی و اجتماعی الگو، انگیزه و تمایل برای پیروی از آنها در افراد برای بهره مندی از آن دستاوردهای مثبت، به وجود می‌آید. از این‌رو، گزینش فرستادگان خدا از میان انسان‌ها به دلیل سرمشق بودن آنها برای امت‌هast است؛ چرا که مهم‌ترین و مؤثرترین بخش تبلیغ و دعوت پیامبران و ائمه (ع) به ارزش‌های اخلاقی، عمل و رفتار آنهاست. آنها باید «اسوۀ ناس» و «قدوۀ خلق» باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، ج ۱۷، ص ۲۶۳).

۲. اسلام و بردهداری

در تاریخ بشریت، بردهداری به علل و انگیزه‌های گوناگونی مانند جنگ، قدرت، غارت و آدمربایی،

۱. البته، شایع‌ترین صیغهٔ جمع آن در این معنا «عَبَاد» است و در آیه ۳۲ سوره نور «عِبَاد» ذکر شده است.

فرض، سرقت، فقر و قمار صورت می‌گرفت (میرشیریفی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۴-۲۵۰)، ولی اسلام تنها به بردگی گرفتن اسیران جنگی کافر را به عنوان راه قانونی و مشروع تأمین نیاز بردگان پذیرفته بود (سورة انفال، آیه ۶۷؛ علامه طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۴۹۷) و اقداماتی همچون یورش ناگهانی برای به اسارت درآوردن و برده‌گرفتن به جای دین و قرض و فروش افراد آزاد را منع کرد و با عفو و گرفتن فدیه از اُسراء، ورود افراد جدید به حوزه بردگی را تعديل کرد (قُرآنی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۹-۲۰۷) همچنین با تحریم قمار و رِبَا (سورة بقره، آیه ۲۷۸ و ۲۷۹) و حرام نمودن خرید و فروش اموال دزدی و وضع قوانین خاص درباره رفتار با بدھکاران و رشکسته، برده‌گیری از این طرق را برانداخت (سورة بقره، آیه ۲۸۰).

با توجه به اوضاع و شرایط اجتماعی و فرهنگی عربستان، در آستانه ظهور اسلام، برای حکومت تازه تأسیس پیامبر (ص) حذف یکباره بردهداری به دلیل پیامدهای زیانبار آن در جامعه آن زمان ممکن نبود؛ زیرا چنان که برخی از اندیشمندان - مانند موتسکیو و گوستاو لوپون - نیز تأکید و تصریح کرده‌اند، آزادی دفعی بردگان خطرآفرین و زیانبار بود. به اعتقاد موتسکیو، آزاد کردن عده‌ی شماری از غلامان با وضع یک قانون خاص، به صلاح نیست؛ زیرا موجب اختلال در نظام اقتصادی جامعه می‌گردد و حتی معایب اجتماعی و سیاسی دارد (متسکیو، ۱۳۶۲، ص ۴۲۸). از این‌رو، ۱۰۹ اسلام، بدون آن که نظام اجتماعی و اقتصادی جامعه، از هم گسسته شود. ابتدا همگان را تغییب به کار و کوشش کرد تا جامعه از وضعیتی که همه کارها بر دوش بردگان بود، فاصله گیرد. همچنین آزادی بردگان سبب می‌شد تا مالکان آنها توانند اقتصاد استثماری خود را توسعه دهند و شاید همین مسئله، موجب اعتراض و مخالفت آنان با این امر می‌شد (ایرجی، ۱۳۳۸، ص ۱۷۲).

در واقع، اگر بردگان به یکباره آزاد می‌شدند، قشر عظیمی که همواره تحت حمایت اربابان خود بودند، بیکار می‌شدند و آزادی آنان در جامعه قبیله‌ای عرب، موجب نابودی و فلاتکت آنها می‌شد؛ چنان‌که کینه این گروه از صاحبان، به خاطر آزار و شکنجه، سبب می‌شد آنان پس از آزادی به فکر انتقام از اربابان خود بیفتند و طبیعتاً این امر سبب به خطر افتادن امنیت عمومی می‌شد (قُرآنی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۹-۲۰۷)، به اعتقاد گوستاو لوپون^۱ (۱۸۴۱-۱۹۳۱) - فیلسوف، مورخ و جامعه‌شناس - «از آنجا که بردگان از دیرزمان، تحت رقیت زیست کرده و در اثر زندگی طفیلی خود، بی تجربه و بی استعداد بار آمده‌اند. از این جهت اگر اسلام، همه آنها را یکباره از قید بردگی آزاد می‌ساخت، ممکن بود در اثر نداشتن تجربه کافی و لیاقت، قادر به تشکیل زندگی مستقل و اداره آن نباشند و در نتیجه، از بین می‌رفتند» (لوپون، ۱۳۵۸، ص ۴۸۲).

1. Gustave Le Bon

خداؤند متعال در آیه ۳۶ سوره نساء می‌فرماید: «خداؤند را به یگانگی پرسستید و شریکی برای او قرار ندهید به پدر و مادر و خویشاوندان خود و بندگان و کنیزانی که مملوک شما هستند، خوبی و احسان کنید.»، بنا به محتوا این آیه شریقه، خداوند متعال خود از نیکی به مملوک سخن گفته و به نظر می‌رسد داشتن بوده یک نرم اجتماعی در جامعه عرب بوده و از ابتدا بنا بر حذف تدریجی برده‌داری بوده و این که برخی با برداشتن به ملاطفت برخورد می‌کرده‌اند بیشتر به منش آنان مربوط بوده است. از همین‌رو، کسانی که درک عمیق‌تری از کلام الهی داشتند، به نگاهی ویژه به بندگان خداوند داشتند.

در مجموع، اسلام راهکاری سخت‌گیرانه در منوعیت و حذف برده‌داری ارائه نداده و طبق آنچه در لابلای کتب معاملاتی فقهی مانند کتاب البيع، الوصیة و النکاح به معنای عام، فروعات مرتبط با اماء و عبید مطرح شده، اصلاح نظام برده‌داری به تدریج در جامعه اسلامی رخ داده است.

با گسترش فتوحات، جنگ یکی از راه‌های بدست آوردن برداشتن بندگان شد. رویارویی نظامی حکومت اسلامی با امپراطوری روم شرقی و جنگ بین مرزداران شرقی و قبایل تُرك، سبب فراوانی برداشتن رومی و تُرك شد. در این زمان، خراسان نیز یکی از مبادی مهم ورود غلامان و کنیزان به سرزمین‌های اسلامی بود؛ به گونه‌ای که حاکمان این منطقه همه‌ساله تعداد زیادی از کنیزان و غلامان تُرك و هندورا به عنوان هدیه به دربار خُلفاً پیشکش می‌کردند (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۳۰). از طرفی، امکانات حکومت تازه تأسیس آن زمان، به گونه‌ای نبود که بتواند اسیران جنگی را در اماکن خاصی مثل زندان‌ها، نگهداری کند. بدین جهت، اسیران در میان جنگاوران تقسیم می‌شدند. آنان برداشتن را به خانه‌های خود می‌بردند تا هم امنیت جانی‌شان تضمین شود و هم پراکنده شده و امکان اجتماع و شورش نداشته باشند. از طرف دیگر، ناچار به تغذیه آنان بودند و در مقابل، از کار آنها نیز استفاده می‌کردند. مارسل بوazar – استاد حقوق دانشگاه ژنو – در این باره می‌نویسد:

اسلام، به خاطر تأمین جانی و جلوگیری از تجاوز به اسیران جنگی، آنها را طبق ضوابطی در قبایل عرب، به عنوان بردۀ یا کنیز تقسیم می‌کرد، ولی به تدریج آنان را از تمامی حقوق شهروندان مسلمان، بهره‌مند می‌ساخت (بوazar، ۱۳۵۸، ص ۴۹).

افرون بر این، در جنگ‌هایی که بین مسلمانان و غیر مسلمین رخ می‌داد، کافران، اسیران مسلمان را به برداشتن می‌گرفتند و از همین‌رو، اسلام ناچار به مقابله به مثل بود و اگر می‌خواست غیر از این عمل کند، نیرو و هزینه لازم برای نگهداری اسیران و جلوگیری از قیام و شورش آنان نداشت. متفکران مسلمان هر یک از منظری خاص به چاره‌جویی درباره برده‌داری رایج و نهادینه شده

در جامعه عرب پرداخته‌اند. علامه جعفری، با توجه به پیشینه برده‌داری در اندیشه‌های افلاطون و ارسطو و نیز تاریخ جوامع غربی که پدیده برده‌گی را لازمه جامعه بشری از نظر اقتصادی و اجتماعی می‌دانستند، ضمن اشاره به مبارزة پیامبر اکرم (ص) با این پدیده، برده‌گی را وضعیتی عارضی و غیر طبیعی در زندگی اجتماعی تلقی کرده و به این مطلب اشاره می‌کند که اصل در اسلام، آزادی انسان‌هاست، همه انسان‌ها آزاد به دنیا آمده‌اند و برده‌گی، برده‌داری و برده‌گیری باید از میان برود. ایشان به مساوات طلبی پیامبر میان انسان آزاد و برده در فضایل و رذایل اخلاقی و ارزش‌های والای بشری و دست یافتن برده‌گان در جوامع اسلامی به مناصب مهم با احراز لیاقت و دستور آزادی اسیرانی که مسلمانان را با حرفه و دانش خود آشنا می‌ساختند، توسط پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کند (جعفری، ۱۳۹۰، ص ۴۰۷ - ۴۴۷).

شهید مطهری با تأکید بر انحصار برده‌گی تنها در مورد اسیران جنگی کافر، بر این عقائد است که «هدف اسلام از دادن جواز برده‌گی و نگهداری برده‌گان، بهره‌کشی ظالمانه از آنان نبود، بلکه اسلام به دنبال پرورش روحی و اخلاقی و رشد گروه مذکور در محیط خانواده‌های مسلمان بود و در حقیقت، دوران بندگی دلالی بود که برده‌گان از آزادی دوره کفر تا آزادی دوره اسلام طی می‌کردند» (مطهری، ۱۳۹۳، ش، ج، ۲، ص ۱۰). از این‌رو، هدف اسلام، آزادی بعد از برده‌گی است.

در دین اسلام هیچ گونه پیش‌فرضی مبنی بر تمایز میان انسان آزاد و برده وجود ندارد. در آیات قرآن کریم، در ارتباط با نکوهش برده‌داری به روشنی از تساوی برده و فرد آزاد پس از تشرف به اسلام سخن گفته شده و نه تنها برده حبیشی را با سید قرشی یکی می‌داند، بلکه گاه کیز مؤمن را پرتر از حرّة مشرک می‌داند (سوره بقره، آیه ۲۲۱) و نزدیکی به خداوند را تنها در سایه تقوّا و عمل صالح بیان می‌کند (سوره حجرات، آیه ۱۳).

پیامبر اکرم (ص) در نخستین روزهای ظهور اسلام، بر آن بود این سنت مقبول آن عصر را به سنتی معقول و انسانی تبدیل کند تا برده‌داری به تدریج از جامعه اسلامی رخت بریندد. ایشان برای تکریم و حفظ جایگاه انسانی برده‌گان میان تعدادی از برده‌گان و برخی از بزرگان اصحاب که از سران عرب بودند پیمان اختوٰت بست، از جمله میان بلال بن رباح و ابو رویحه خشمی، بین خارجه بن زهیر (برده) و ابو بکر بن ابی قحافه و نیز میان غلام خود زید و عمومی خود حمزه (ابن هشام، ۱۳۹۲، ج، ۲، ص ۱۵۱ - ۱۵۳).

همچنین مسلمانان را به آزاد کردن برده‌گان و خوش‌رفتاری با آنها وزن یا شوهر دادن آنان و آموختن سواد و به همسری گرفتن کیزیان توصیه کرده است (شیخ انصاری، ۱۴۱۱، ق، ص ۱۷۵).

رسول اکرم (ص) پیروان خود را به داشتن رفتاری انسانی، همراه با مهربانی و رعایت حقوق بردگان دعوت می‌کردند. یرخی از توصیه‌های ایشان درباره حقوق بردگان عبارت‌اند از:

از غذای خود به او بدهد. از جامه‌ای که خود می‌پوشد، به او بپوشاند. به کارهای سخت و ادارش نسازد. به کاری که بیش از توان اوست مأمورش نکند. برده ناپسند را آزار ندهد و زود بفروشد، او را تحقیر و کوچک نکد و اشتباهات او را بینخدش در رفتار با او منصف باشد و در حقش ظلم نکند (غزالی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۶).

بزرگان دین با تأکید بر آیات قرآن کریم برای آزادسازی بردگان، قوانین متعددی مانند مصرف رزکات، کفاره روزه، کفاره نذر، قسم، قتل خطای و ظهار را وضع کردند (نک: سوره بقره، آیه ۱۷۷، سوره نساء، آیه ۹۲، سوره مجادله، آیه ۳، سوره مائدہ، آیه ۸۹) و با تکیه بر آیاتی مانند «وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَلُرَقَيْةٌ؛ وَ تُوْلَقَهُ مِنْ دَانِي آنَّ گَرْدَنَهُ سَخْتَ چِيْسِتْ؟» («آزاد کردن برد») (سوره بلد، آیه ۱۲-۱۳) و احسان با برده‌ای که آزاده نشده باشد (سوره نساء، آیه ۳۶)، در راستای گسترش فرهنگ آزادسازی و تکریم بردگان کوشیدند. همچنین با یادآوری آیه «وَ لَا تُكْرِهُوا فَتَيَّاتُكُمْ عَلَى الْبِلْغَاءِ إِنْ أَرْدَنَ تَحَصَّنَا؛ وَ كَنْيَانَ خود را برای دست‌یابی به متعاق ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خودفروشی نکنید، اگر خودشان می‌خواهند پاک بمانند» (سوره نور، آیه ۳۳)، ممنوعیت سوء استفاده از بردگان مانند وادر نکردن کنیزان به فحشا و درآمدزایی از آنان را یادآور می‌شند.

آنها نظام بردۀداری را با سخن پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «بدترین مردم کسانی هستند که مردمان را می‌فروشنند» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۱۴) نکوهش کرده و شکنجه بردگان و مثله کردن آنان را حرام می‌دانستند (حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۰۶). همچنین روایات فراوانی از تکریم و آزادسازی بردگان در قبال کفاره گذاهان یا ترک عمدى و سهوی واجبات وجود دارد و در فقهه نیز بایی با عنوان «كتاب العتق» به مسائل بردگان می‌پردازد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۷۷؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۳۲۰)؛ هرچند این روایات و توصیه‌ها از سوی حاکمان جامعه جدی گرفته نمی‌شد.

۳. دیدگاه جامعه اموی نسبت به بردگان

جامعه اموی نسبت به بردگان رفتار مناسبی نداشته و آنها را تحقیر می‌کردند با افزایش تعداد موالی در جامعه، باورهای برتری نژادی آعرب نمایان تر شده بود. حتی اگر کنیززاده‌ای مورد پذیرش افراد جامعه قرار می‌گرفت، باز هم آعرب از تحقیر او دست برنمی‌داشتند.

رفتارهایی از این دست در کل جامعه مشاهده می‌شد. نمونه‌ای از این تحقیر را می‌توان در مسابقه اسب‌دوانی که عبدالملک بن مروان بین دو پسر خود سلیمان و مسلمه برگزار کرد، مشاهده کرد. در این مسابقه، سلیمان پیروز شد و عبدالملک در این زمان این اشعار را بیان کرد: «به شما گفتم که کنیززادگان را در مسابقه شرکت ندهید. این دو هرگز برابر نمی‌شوند، آن مادرش بانو و این مادرش کنیز است» (ابن عبدربه، ۱۳۷۲ق، ج ۴، ص ۱۱).

نمونه دیگری از رفتار با برگان را می‌توان در نامه اعتراض آمیز عبدالملک بن مروان به امام سجاد (ع) بابت ازدواج ایشان با کنیزشان مشاهده کرد که امام سجاد (ع) در پاسخ عبدالملک مروان با اشاره به آیات قرآن کریم و روش پیامبر (ص) هشدار دادند که بنی امیه به جاهلیت نوینی گرفتار شده و لازم است ارزش‌های اسلامی دوباره احیا شود و فرمودند:

نامه تو که در آن مرا به خاطر ازدواج با کنیز آزاد شده‌ام، سرزنش کردی به دستم رسید.

گفتی که در میان عرب زنانی هستند که با ازدواج و صاحب فرزند شدن از آنها به عظمت و بزرگواری می‌رسم و حال آن که فراموش کرده‌ای بزرگوارتر و با عظمت‌تر از رسول خدا (ص) کسی نیست؛ در حالی که رسول خدا (ص) بانی ازدواج برده اش (زید بن حارثه با زنی آزاد به نام زینب) شد و خود نیز با کنیزش ازدواج کرد. خداوند به وسیله اسلام امور بی‌ارزش را با ارزش و نقایص را با اسلام کامل کرده و سرزنش‌ها را از بین برد. انسان مسلمان، شایسته نکوهش و سرزنش نیست تنها جاهلیت و افکار جاهلی باید سرزنش و نکوهش شوند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۶۴).

در موردی دیگر، هشام بن عبدالملک نیز با کنیززاده خواندن زید (پسر امام سجاد (ع)) تفکرات جاهلی خود را آشکار ساخت. زید - در پاسخ هشام - کنیززاده بودن اسماعیل (پسر حضرت ابراهیم (ع)) و مقام او را یادآوری کرد و درک وسیع و بیش والای خود را به رُخ هشام کشید (ابن قبیه دینوری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۱۲؛ زمخشri، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۶۱).

۴. الگوی رفتاری ائمه اطهار (ع) نسبت به برگان

ائمه اطهار (ع) با رفتار و گفتار خود برای بهبود وضعیت برگان و احیای شخصیت آنان به عنوان گروهی که در جامعه از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند، تلاش می‌کردند ایشان به برابری انسان‌ها در نزد خداوند اعم از این که برده باشند یا آزاد، اشاره کرده و برگی را به عنوان یک پدیده منفی اجتماعی معرفی کردند. رفتار ائمه (ع) نسبت به همه افراد جامعه آگاهانه، معنادار و با انگیزه بوده

است که در ادامه، به نمونه‌هایی از تلاش ائمه (ع) برای تربیت و تعالی بردگان، رفع ظلم و برقراری عدالت و رفع نیازمندی‌ها و حفظ کرامت انسانی بردگان اشاره می‌شود.

۴. حفظ کرامت انسانی بردگان

دین مبین اسلام بر مبنای اصل کرامت ذاتی، انسان‌ها را برابر و یکسان شمرده و ملاک و معیار برتری را تنها در کرامت اکتسابی انسان می‌داند که آن هم بر اساس رشد و ارتقای ایمان و تقوای هر فرد تعیین می‌شود، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَاوَافُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاًكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَيْرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است.

حفظ کرامت انسانی و مهربانی با تمام مردم به ویژه زیرستان از محورهای سیره اخلاقی ائمه اطهار (ع) است. امام علی (ع) می‌فرمایند: «من شرم دارم از این که خداپرستی را بردۀ خویش بدانم». همچنین ایشان در رابطه با نحوه رفتار با دیگران، خطاب به مالک اشت، می‌فرمایند:

قلب خود را از محبت به مردم و لطف و رحمت نسبت به آنان لبریز کن؛ زیرا آنان یا برادر دینی تواند یا در آفرینش همانند تو هستند (سید رضی، ۱۳۹۰، ص ۴۰۴).

در نوع نگرش ائمه اطهار (ع) به افراد جامعه به ویژه بردگان، جلوه‌های توجه به کرامت انسانی در رفتارها، رهنمودها و موضع گیری‌های ایشان در برابر واقعی، نمایان است؛ به گونه‌ای که امام صادق (ع) از بی احترامی و توهین دوستشان نسبت به غلامش که دیر کرده بود، ناراحت شد و او را از این کار منع کرد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۲۴). همچنین طبق گفته قطب الدین راوندی، هنگامی که امام حسن عسکری (ع) با برادر خویش جعفر در زندان بودند، جعفر در حضور ایشان، کنیزش را با لفظ زشتی خواند و امام از این سخن ناپسند ناراحت شده و او را از توهین به زیرستان منع کردند (راوندی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۸۲).

راوندی، نقل کرده است که امام صادق (ع) به یکی از غلامان غیر عرب خود کاری محول کرد. هنگامی که امام نتیجه کار را از غلام پرسید، غلام در جواب ایشان نمی‌توانست به درستی صحبت کند و آن بزرگوار زمانی که متوجه شد سخن گفتن به زبان دیگر برای غلام مشکل است،

به او گفت به هر زبانی که می‌خواهی بگو من آن را می‌فهمم (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۸۹). ایشان با درک شرایط طرف مقابل و بی تفاوت نبودن نسبت به او، احساس آرامش و امنیت به او بخشیدند. در منابع برای الگوپذیری افراد از رفتار ائمه اطهار (ع) آمده است هنگامی که حمیده مصafe- همسر امام صادق (ع)- کنیش (تکتم) را به فرزندش امام کاظم (ع) بخشید به ایشان سفارش کرد که با کنیش به نیکی رفتار کند (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ص ۱۴) که تأکیدی است بر این بینش که همه افراد انسانی شایسته‌اند که مورد مهر و نیکی قرار گیرند.

امام رضا (ع) نیز برای بهبود اوضاع و موقعیت اجتماعی بردگان و حفظ کرامات انسانی آنها همواره در گفتارشان به دیگران تأکید می‌فرمودند که «پدر و مادر همه انسان‌ها یکی است و تنها ملاک برتری افراد تقواست و پاداش افراد به اعمالی است که انجام می‌دهند» (کلیسی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۲۳۰). ایشان همچنین در ارتباط با منع و تقبیح تعیض نژادی که همواره یکی از آموزه‌های اصلی ائمه (ع) بوده است، فرمود:

اگر من گمان کنم که از این غلام سیاهی که در اینجاست به واسطه قرابت و

۱۱۵ خویشاوندی با پیامبر بهترم، اشتباه است مگر این که عمل صالحی داشته باشم که به واسطه آن بر او برتری بیاورد (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۳۷).

هنگامی که یکی از غلامان امام رضا (ع) فوت کرد، ایشان برای احترام به او برای خرید پارچه یمانی که برای کفن کردنش لازم بود چند بار شخصی را نزد کسی که آن پارچه را داشت فرستاد تا در نهایت، آن پارچه را برای کفن کردن غلامشان خریدند (مسعودی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۳).

یکی از جلوه‌های کرامات انسانی در دین اسلام، تأکید بر اصل حریت و آزادگی انسان‌هاست و در این زمینه، تفاوتی میان انسان‌های مسلمان و کافر نیست. زکریا بن آدم می‌گوید: از امام رضا (ع) پرسیدم مردی از اهل ذمہ بر اثر قحطی و گرسنگی شدید، فرزندش را به مردی دیگر می‌دهد و می‌گوید این بچه برای تو باشد؛ به او غذا بدھید و بندۀ تو باشد، آیا این کار صحیح است؟ امام رضا (ع) فرمود: «الایتاع حرّ فانه لا يصلح لک ولا من اهل ذمہ؛ انسان آزاده قبل خرید و فروش نیست. ارتکاب چنین کاری از تو و اهل ذمہ شایسته نیست» (طوسی، ج ۷، ص ۹۷۷).

بنیادی ترین آموزه اخلاقی در اسلام به هنگام اعمال قدرت، رعایت عدالت و نفی ظلم کردن به دیگران است؛ به گونه‌ای که امام هادی (ع) در سخنان خویش، خشم گرفتن بر بردۀ و مملوکان را نکوهش کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۷۰).



۴. همنشینی و مصاحبت ائمه اطهار (ع) با بردگان

در شرایطی که به دلیل رواج سیاست برتری طلبی قومی - قبیله‌ای، بردگان از نظر اجتماعی، در جایگاه فرودستی در جامعه قرار داشتند و کثرت جمیعت بردگان و بهویژه موالی توانسته بود وضعیت اجتماعی آنان را بهبود بخشد، برخورد پسندیده و همراه با لطف و مهربانی ائمه (ع) با بردگان، نقش به سزاگی در ارتقای موقعیت اجتماعی بردگان در جامعه عرب داشت. امام سجاد (ع) با همنشینی و مجالست با بردگان نقش مهمی در ارتقای موقعیت اجتماعی متزلزل آنان داشت و زمانی که از سوی نافع بن جبیر مورد اعتراض قرار گرفت، در جواب فرمود: جز این نیست که آدمی باید در جایی بنشیند که بهره‌ای ببرد (ابن سعد، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۳۲).

امام رضا (ع) با تأکید بر برابری همه انسان‌ها، در هنگام غذا خوردن همه غلامان خود را برابر سر سفره حاضر می‌کرد و هنگامی که دیگران در این زمینه اعتراض کردند، در جواب آنان فرمود: همه ما با یکدیگر برابر و فرزندان یک پدر و مادر هستیم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۱۰۱) آن حضرت تا هنگام شهادت نیز از توجه به این گروه غفلت نکرد؛ چنان که در آخرین ساعات زندگی خود متوجه شد که غلامان و کنیزانش به خاطر وضعیت ایشان از خوردن غذا امتناع کردند، با وجود شرایط نامناسب خود دستور دادند تا سفره بیندازند و با خدمتکاران مشغول خوردن غذا شدند (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۴۱). همچنین نقل شده فردی نزد امام جواد (ع) آمد آن حضرت از خدمتکاران خواست تا برای فرد مهمان غذا بیاورند، هنگامی که یکی از غلامان غذا را آورد، امام جواد (ع) از او خواست که در کنار مهمان نشسته و از غذایی که آورده بخورد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۸۸؛ راوندی، ۱۴۰۹، ق ۱، ص ۳۸۹). این رفتار امام، تعجب مهمان را برانگیخت. امام حسن عسکری (ع) ساعات آخر زندگی شریف‌شان را در کنار غلامشان (عقید) و جاریه‌شان (صیقل) سپری کردند (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۷۴).

۴.۳. اعتماد به بردگان

یکی از سنجه‌ها و محک‌های شایان اعتماد و مردمداری، برقراری روابط مطلوب با دیگران است. اعتماد ائمه اطهار (ع) به بردگان عاملی مهم در شخصیت بخشیدن به این افراد بود و روایاتی که از ائمه (ع) در این زمینه به ما رسیده به خوبی گویای این مطلب‌اند. امام صادق (ع) برخی از مسائل مهم و ضروری را که تنها دوستان خاصشان در جریان بودند با بردگان خود در میان

می‌گذشت که این نشان از اعتماد به این گروه بود. گروهی خواستار دیدن مکتوبات امام علی (ع) شدند. امام صادق (ع) در پاسخ به آنان فرمود: «مکتوبات ایشان نزد من است که آنان را برای نگهداری به این غلام سپرده‌ام» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۲۷۴). به نظر می‌رسد، اعتماد امام در دادن امانت‌هایی چنین ارزشمند به غلام خود و بیان این موضوع در حضور دیگران، جهت ارتقای موقعیت برده‌گان در جامعه بوده است. در منابع روایی آمده است که سالمه - کنیز امام صادق (ع) - در زمان شهادت ایشان، در کنار ایشان حضور داشت و امام وجوهی را با ذکر اسمی به او سپرد تا پس از شهادت، آنها را به صاحبانش برساند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۷).

وقتی امام موسی کاظم (ع) مجبور به ترک مدینه شد، در رابطه با جانشینی خود و مدیریت ارتباط با پیروان و طرفداران، افزون بر امام رضا (ع) به امّ احمد - یکی از همسران امّ ولد خود - توصیه‌های لازم را کرد (مسعودی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۸۱؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۹۹). در حقیقت، امّ احمد

حامل سختان و نکته‌های ارزشمندی بود که امام بعدی بتواند با بهره‌گیری از آنها جامعه مسلمین را مدیریت کرده و شعله‌های مخالفت با حاکمیت را روش نگه دارد. همچنین در منابع روایی آمده است که تعدادی از غلامان امام هادی (ع) از معتقدین خاص حضرت بودند و آنان را از

۱۱۷

مسائل مهمی که تنها خواص ایشان در جریان بودند باخبر می‌ساختند؛ به گونه‌ای که امام هادی (ع) مدتی پیش از شهادت، عده‌ای از خواص خویش را فراخواند تا وصیت نماید و جانشین خود را به آنان معرفی کند. در میان ایشان، تعدادی از غلامان خود را نیز به حضور فراخواند و آنها را شاهدی بر وصیت و اعلام جانشینی خود گرفت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۲۴۶).

امام حسن عسکری (ع) نیز با محروم اسرار قرار دادن و سپردن امانت‌های خویش به غلامان و کنیزان - به رغم حضور دیگر نزدیکان ایشان - گام مؤثری در ایجاد و تقویت حسّ خودباوری برده‌گان و تغییر نگرش مردم جامعه نسبت به این گروه در جامعه اسلامی برداشت. شیخ صدوق، نقل می‌کند که ابوالادیان - خدمتکار امام - پیش از شهادت به حضور امام رسید و ایشان نامه‌های خویش را برای رساندن به صاحبانشان در سرزمین‌های دیگر به او سپرد و در ادامه، با محروم دانستن او، او را از شهادت خویش آگاه ساخت و جانشین خود را به او معرفی کرد (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۴۶).

فردی از دوست‌داران امام عسکری (ع) خدمت ایشان رسید و از سوی دوستان خویش امانت هایی را تقدیم امام کرد، آن حضرت با اشاره به غلام خود، فرمودند: «امانت‌هایی را که آورده است به او تحويل دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۲۳۰). همچنین امام حسن عسکری (ع) فرزند



خود را با وجود آن که از بدو تولد از دید بسیاری از افراد مخفی بود، به غلام و کیزشان نشان دادند (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۶).

۴. دفاع از حقوق برده‌گان و پناه دادن به آنان

اسلام با تکیه بر اصول اخلاقی، روابط برد و بردگان را به گونه‌ای کاملاً انسانی و عادلانه درآورد و راه هر گونه ظلم و بیدادگری در این روابط را مسدود ساخت. پیامبر اکرم (ص)، مردی را سوار بر مرکبش دید که غلامش در قفای او پیاده روان بود. فرمود: «غلامت را هم سوار کن، او برادر تو است و روح او مثل روح تو» (ایرجی، ۱۳۳۸، ص ۷۴).

ائمه اطهار (ع) نیز همواره گروه برده‌گان را در جامعه مورد حمایت قرار می‌دادند و هنگامی که حقی از آنان ضایع می‌شد، در پی احراق حقوق و دفاع از این گروه بر می‌آمدند هنگامی که امام علی (ع) به خلافت رسیدند، با اشارف به بی‌عدالتی هایی که در سال‌های پیشین در حق برده‌گان روا شده بود، سعی در احراق حقوق آنان داشتند و در نخستین گام، به تقسیم بیت المال به صورت مساوی همت گماشتند و به کارگزاران خویش در سرزمین‌های اسلامی دستور دادند تا در تقسیم بیت المال بین عرب انصاری و موالي تفاوتی قائل نشوند و تنها اسلام را ملاک قرار دهند (شیخ مفید، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲). این اقدام امام مایه اعتراض گروهی از بزرگان صحابه شد و برای نمونه، سهل بن حنیف در نخستین تقسیم بیت المال به برابری حقوق خود با غلامش به شدت اعتراض کرد (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۱).

همچنین خواهر امام علی (ع) به برابری سهم بیت المال خویش با کنیز عجمی اش اعتراض کرد که امام علی (ع) در پاسخ او فرمود «در کتاب الهی هیچ تفاوتی میان عرب و عجم وجود ندارد» (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۷۰). همچنین در منابع روایی آمده است که وقتی امام صادق (ع) از شهادت تعدادی از موالیان خود به دست حاکم مدینه - به جرم حمایت از آن حضرت - مطلع شدند به این عمل اعتراض کرده و خطاب به حاکم مدینه و در حمایت از غلامان خود، فرمودند: «تورا نفرین می‌کنم و از خداوند بر توانی می‌جویم که غلامان مرا گشته» (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۲۴؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲، ص ۹۱۹-۹۲۰).

شیخ صدوق نیز نقل می‌کند که مامون کنیزی را نزد امام رضا (ع) فرستاد و مدتی در خانه آن حضرت اقامت داشت و امام پس از مدتی او را به شخص دیگری بخشید، ولی او را متعهد کرد که کنیز را پس از مرگش آزاد کند (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ۲/ ۱۷۹). نمونه دیگری از رعایت حقوق

بردگان در رفتار امام رضا (ع) نمایان است که ایشان برای تعیین نشدن حقوق کارگری که برای کار به منزل ایشان رفته بود و مزدش مشخص نشده بود، بسیار ناراحت و پریشان شدند و فرمودند: پیش از شروع کار، حق اورا مشخص نمایید تا در پایان کار از پول پرداختی شما ناراضی نباشد (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۰).

ابن شهر آشوب، نقل می‌کند که کسی از دست غلام خود که مرتكب خطایی شده بود عصیانی شد و قصد کشتن او را داشت، آن غلام به خانه امام صادق (ع) آمد و به ایشان پناه برد و آن حضرت واسطه شد تا صاحبیش از خطای او بگذرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۲۵؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۷۳). در دوره‌ای که بردگان و موالي در جامعه تحقیر می‌شدند، ائمه معصومین (ع) با حمایت‌های مالی و عاطفی به آنها کمک می‌کردند و این گروه در سایه کمک‌های آن بزرگواران می‌توانستند زندگی راحتی داشته باشند. همچنین کلینی نمونه دیگری را می‌آورد که امام موسی کاظم (ع) خانه‌ای نوخریده بود و با اطلاع از نیاز غلامش به مسکن، آن را به او هدیه کرد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۵۲۵). امام رضا (ع) در حمایت از بردگان، به اصحاب خود تأکید می‌کردند که اگر بردگان را آزاد کردید تا زمانی که به حدی نیازی برسد، از او حمایت مالی کنید (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۳۴).

۴.۵. تکریم و مهربانی با بردگان

دین اسلام، توجیهی ویژه به مسئله مهربانی و مهروزی دارد. قرآن، پیامبر اکرم (ص) را «رحمه للعالمين» معرفی کرده است و «مهربانی» نخستین خصلت نیکوبی است که به شکلی غیرقابل وصف، در وجود معصومین (ع) متجلی شده است. ائمه اطهار (ع)، اسوه‌های مهروزی نهانها نسبت به دوستان و شیعیان، بلکه برای تمام افراد جامعه بوده‌اند. امام رضا (ع) در مورد مهربانی کردن با مردم می‌فرمایند: «مُدَارَّةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الْرِّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعِيْشِ؛ مداراً كردن با مردم یک نیمه ایمان و مهربانی کردن با آنان نیمی از زندگانی است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۲).

از نمونه‌های مهروزی ائمه (ع) نسبت به افراد ضعیف جامعه می‌توان به رفتار و گفتار امام رضا (ع) در مهربانی و مدارا کردن با بردگان اشاره کرد. یکی از لقب امام مهربانی‌ها «الرئوف» است و ایشان برای برطرف کردن مشکلات و گرفتاری‌های بردگان از هیچ گونه کمکی فروگذار نمی‌کردند. امام رضا (ع) زمانی از گروهی از غلامان صقالبه و رومی خود شنید که در مورد رگزنی هر ساله خود در کشورشان صحبت می‌کردند، به حضور یکی از پزشکان رفت و از

او درخواست کرد به نزد غلامانش بیاید و هر کاری که آنان نیاز دارند، انجام دهد (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲۷). همچنین هر گاه غلامان غیر عرب در حضور آن حضرت در فهم مطلب مشکل پیدا می‌کردند، امام به زبان خودشان آن مسئله را برای آنها بیان می‌کرد (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲۸) امام رضا (ع) زمانی که متوجه می‌شد غلامان و کنیزان از حضور در نزد ایشان احساس آرامش و راحتی ندارند آن اشخاص را به اجبار در نزد خود نگه نمی‌داشت و برای نظر آنها به عنوان یک انسان احترام قائل بود. طرسی نقل می‌کند مأمون کنیزی را برای خدمت به حضور آن حضرت فرستاد؛ زمانی که کنیز امام را دید از پیری و موی سفید آن بزرگوار چهره‌اش گرفته و ناراحت شد، امام دریافت او از حضور در نزد ایشان خشنود نیست و دستور داد آن کنیز را نزد مأمون بازگرداند (طرسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۷۹). راوندی نقل می‌کند امام جواد (ع) کنیزی را در حالی که به شدت از درد پارنج می‌برد به حضور پذیرفت و با قرار دادن دست خوش بر محل درد، مريضى او را درمان کرد (مجلسى، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۴۶-۴۷).

غلامانی با ملیت‌های مختلف از ترک و روم و صقلابی در خدمت امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) مشغول بودند. ایشان برای راحتی و احساس آرامش بیشتر آنان به هنگام صحبت کردن با هر کدام از آنها به زبان مادریشان سخن می‌گفتند (اربلی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۹۱۸؛ مجلسى، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۱۳۰). از نمونه‌های مهرورزی ائمه (ع) نسبت به افاده ضعیف جامعه این بود که با توجه به نیازهای گروه بردگان، تلاش می‌کردند تا حدّ امکان وسایل آرامش آنان را فراهم آورند.

۴. تواضع و فروتنی در برابر بردگان

«تواضع» در لغت، به معنای تذلل و فروتنی است و در اصطلاح اخلاقی، یعنی انسان خود را برتر از دیگران نداند (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۱۵، ص ۳۷۲) خوش‌رفتاری با همنوعان و خدمت به خلق از جمله دستورات مهم دین اسلام است پرهیز از کبر خودپسندی و داشتن تواضع و فروتنی در برابر خدا و مردم یکی از ویژگی‌های بارز ائمه اطهار (ع) بوده است. پیامبر اکرم (ص) در نکوهش خودپسندی می‌فرمایند: «امقت الناس المتكبر؛ منفورترین مردمان شخص متکبر است» (مجلسى، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۱۱۴). بعضی غرور را لازمه ابھت حاکمان دانسته و آن را از ابزارهای زمینه‌ساز اطاعت و پیروی مردم و مخاطبان می‌دانند؛ در حالی که امام علی (ع) استفاده از این ابزار را کاری پست شمرده و پرهیز از آن را به همه والیان توصیه کرده است و به مالک اشتر فرمودند: «ای مالک! از خودپسندی و اعتماد به آنچه موجب عجب و خودپسندی شده و نیز از

دلبستگی به ستایش و چربزبانی‌های دیگران پرهیز کن» (سید رضی، ۱۳۹۰، ص ۴۲۰).

در ارتباط با تواضع و فروتنی امام صادق (ع) آمده است که ایشان پس از فرستادن غلامش برای انجام کاری و دیر کردن او متوجه شد که غلام در گوشاهی خواهد بود؛ آن حضرت خیلی آرام بالای سر غلام نشستند و تا بیدارشدن او مشغول کار شدند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۷۴؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۲۵). توجه امام کاظم (ع) به غلامان و نشست و برخاست با این گروه زمینه دیده شدن آنان را در جامعه اسلامی فراهم می‌کرد؛ به گونه‌ای که بغدادی در این زمینه نقل می‌کند امام کاظم (ع) با گروهی از اطراقیان به سمت زمین زراعی خود در حرکت بود که در مسیر، غلامی زنگی به خدمت آن بزرگوار رسید و برای امام نان هدیه آورد؛ ایشان با رغبت هدیه او را پذیرفت و شب هنگام با آن نان‌ها از غلامان پذیرایی کردند (بغدادی، ج ۱۳، ص ۲۹-۳۰).

امام رضا (ع) به عنوان اسوه و الگوی جامعه اسلامی با تواضع نسبت به بردگان، حتی در سختترین شرایط، در صدد تغییر دید و رقتار جامعه اسلامی نسبت به آنان بودند. مجلسی نمونه‌ای را ذکر می‌کند که امام رضا (ع) هر گاه مطلع می‌شد غلامان او در حال خوردن غذا هستند، با وجود آن که به آنها برای انجام کاری احتیاج داشت از انجام عمل خویش صرف نظر می‌کرد و آن کار را به بعد از خوردن آنان موقول می‌ساخت (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۹، ص ۱۰۲).

امام حسن عسکری (ع) عنایت ویژه‌ای به غلامان و برطرف کردن نیازهای آنان داشت. علامه مجلسی از غلام امام نقل می‌کند که هر زمان برای آن حضرت غذا می‌بردم، ایشان بزرگوارانه تنها مقدار کمی از آن را میل می‌کرد و مابقی را به من می‌داد تا برای فرزندانم بپرم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۲۵۲).

۷.۴. مشورت با بردگان

با توجه به آیات «وَشَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ» (سورة آل عمران، آیه ۱۵۹) و «وَأَمْرُهُمْ شُورِي بَيْنَهُمْ» (سورة شوری، آیه ۲۸) مشورت به معنی نظرخواهی از دیگران، از مهم‌ترین مسائلی است که اسلام آن را با دقت و اهمیت خاصی مطرح کرده و در منابع اسلامی و تاریخ پیشوایان بزرگ اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد. از طرفی مشاور باید دارای صفات ویژه‌ای باشد؛ امام علی (ع) در این باره می‌فرماید «شَاوِرْ ذَوِي الْعُقُولِ تَأْمُنُ مِنَ الرَّلِيلِ وَالنَّدِمِ؛ بَاخْرَدْمَنْدَانِ مشورَتَ كَنْ تَا از لَعْزَشِ وَپَشِيمَانِي در امان بِمَانِي» (تمیمی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۴۰۴) و «خَيْرٌ مَنْ شَأْوِرَتْ ذَكْوَرَ النُّهَى وَالْعِلْمِ وَالْتَّجَرِبَةِ وَالْحَرْبِ»؛ بهترین کسی که با او مشورت می‌کنی صاحبان عقل و علم و کسانی هستند که دارای تجربه و

۴. آزاد کردن بردگان

آزادی، عبارت است از حقی که به موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار بیندازنند، مشروط بر اینکه آسیب و ضرری به دیگران وارد نسازند. خداوند، از دیدگاه اسلام، انسان را موجودی شریف و آزاد توأم با مسئولیت آفریده است که به موجب آن می‌تواند با رقم زدن سرنوشت خود و مشاهده نتیجه کار خوب و بد خویش در مراتب انسانی ارتقا یابد. در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز نخستین ماده راجع به آزادی است که بشر آزاد آفریده شده است؛ آزاد باید زندگی کند و آزاد باید بمیرد و هیچ قدرتی حتی خودش نمی‌تواند این حق را از او سلب کند. واژه «آزادی» بر رهایی از اسارت، رفع گرفتاری، گسستن بند، دفع قهر و غلبه دیگران و فرو افکنند بار سنگین تکالیف تحملی اطلاق می‌شود. یکی از ویژگی‌های حقوق بشر اسلامی آن است که فرا ایمانی و مبتنی بر فطرت بشر است؛ فطرتی که میان همه انسان‌ها مشترک است حق حیات، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولانه و حق مساوات مربوط به تمامی انسان‌ها است و از همین‌رو، قابل تعیین به همه اقوام و ملل است (حسینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۸۲) در آموزه‌های ائمه اطهار (ع) ارزش و کرامت انسانی پایه و اساس واقع شده و به تبع آن تمامی قواعد و مقررات حقوق بشری با توجه به اصل مساوات و آزادی تدوین و روایت موجود در جامعه در چارچوب اصول اخلاقی شکل گرفته است.

۴.۱. راه‌های آزادی بردگان

اسلام راه‌های ابتکاری متعددی برای آزادی تدریجی بردگان ارائه کرد، از جمله:

دوراندیشی است» (محقق، ۱۳۷۶، ص ۲۲۷).

ائمه (ع) برای ارتقای جایگاه و منزلت اجتماعی بردگان با آنان مشورت می‌کردند. امام کاظم (ع) با وجود آنکه به تنهایی می‌توانست به حل مسائل و مشکلات پردازد، ولی سعی می‌کرد برحی اوقات با مشورت، از بردگان کمک بگیرد. امام رضا (ع) در مورد پدرشان نقل می‌کند: پدرم با غلامان خود مشورت می‌کرد و زمانی که این عمل ایشان مورد اعتراض قرار می‌گرفت، می‌فرمود: چه بسا خداوند مصلحت من را در زبان او قرار داده باشد. ایشان اغلب در کشت و زرع از غلامان خود مشورت می‌گرفت و سخنان آنان را به کار می‌برد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۸، ص ۲۵۲).

- اسلام، آزادسازی بردگان را از عبادات بزرگ قرار داد. ائمۀ اطهار (ع) نیز در عمل به این عبادت، اهتمام والایی داشتند. به عنوان نمونه، امام سجاد (ع) در طول حیات شریف خود، تعداد بی‌شماری برده خریدند و آزاد ساختند (جعفریان، ۱۳۷۶، ص ۲۸۰). امام به رغم بی‌نیازی به بردگان سیاه، آنها را خریداری و در روز عرفه آزاد می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۱۰۳). از این‌رو، بردگان با آگاهی از تیت امام سعی می‌کردند خود را بر سر راه امام قرار دهند تا آنها را خریداری کند؛ چون می‌دانستند خلاصی آنها حتمی است (جعفریان، ۱۳۷۶، ص ۲۸۱). همچنین امام صادق (ع) آزاد نمودن برده را از اعمال استحبابی روز عرفه برشمرده‌اند: **يُسْتَحِبُ لِلرَّاجُلِ أَنْ يَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ عَشَيْةَ عَرَفَةَ وَيَوْمَ عَرَفَةَ بِالْعُتْقِ وَالصَّدَقَةِ؛ مُسْتَحِبٌ اسْتَشْبِحُ شَبَّ عَرَفَهُ بَا آزادِ كردن بردگان و صدقه به پروردگار خود تقریب جویید» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۱۲).**

- آزادسازی از طریق مالکیت، سرایت، استیلا德، تدبیر و مکاتبه.^۱ از امام صادق (ع) در مورد سخن خداوند در آیه ۳۳ سوره نور پرسیده شد و امام در پاسخ فرمود: اگر برده‌ای توان مالی و دین و ایمان داشت با او سند آزادی امضا کنید (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۲۴).

- اسلام با تشویق مسلمانان به آزاد ساختن بردگان و گماشتن آنها به کارهای متناسب با استعداد و مهارت‌شان و اختصاص کمک‌هزینه‌ای از بیت المال به آنها (سوره بقره، آیه ۱۷۷) نه تنها آزادی ظاهری بردگان، بلکه آزادی اقتصادی آنها را نیز تضمین می‌کرد (بواز، ۱۳۵۸، ص ۴۸-۴۹). امام سجاد (ع) هیچ برده‌ای را بیش از یک سال نگه نمی‌داشت و حتی پس از آزادی، اموالی هم در اختیار آنها می‌گذاشت (حیدری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۷). ایشان در شب آخر ماه رمضان با یادآوری خطای غلام یا کنیز به وی، از حق خود می‌گذشت و آنها را در راه خدا آزاد می‌کرد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۷۵). در این مدت آنها از نزدیک با شخصیت عظیم علمی و اخلاقی و تقوایی

۱. مالکیت: خویشاوندان رضاعی، حکم خویشاوندان نسبی را دارند. بنابراین، اگر به هر صورتی چنین مالکیتی رخ داد، بلاfaciale این خویشاوندان خود به خود آزاد می‌شوند (موسوی خوبی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۶۷-۳۱۳). سرایت: اگر مولا جزئی از برده خود را آزاد کند، آزادی با شرایطی به تمام برده سرایت کرده و کلاً آزاد می‌شود (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۴، ص ۱۵۲). استیلاد: کمیزی که از مولا خود صاحب فرزند شده است «ام ولد» نامیده شده و پس از مرگ مالک آزاد می‌شود (موسوی خوبی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۷۶). تدبیر: اگر مولا آزادی برده را بعد از وفات خود معلق کند، با مرگ مولا برده آزاد می‌شود (جعی عاملی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۸۸). مکاتبه: عقدی است که بین مولا و برده منعقد می‌شود مبنی بر این که برده با اذن مولا کار کند و در سررسیده‌های معین، اقسام قیمت خود را به مولا پردازد و در نهایت، آزاد شود (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۳)

- آماده از طریق صدقه مانند آزادسازی برده به هنگام وقوع خسوف و کسوف به عنوان صدقه سفارش شده است.
- برخی موارد خاص مانند ابتلا به کوری، ابتلا به جذام، زمین‌گیر شدن نیز به صورت الزامی و قهری موجب آزادی برداشته شد.

پیامبر اکرم (ص) در سخنان گهربار خویش به مؤمنان و مسلمانان برای آزادسازی برداشته سفارش فراوان می‌کردند. چنان‌که در این باره فرمود: «من اعتق رقبة مؤمنة كانت فداءه من النار»؛ هر کس برده مؤمنی را آزاد کند این عملش سبب آزادی او از آتش جهنم خواهد شد». حضرت علی (ع) نیز به رغم این‌که تعصبات نژادی و بی‌عدالتی‌ها در جامعه اسلامی آن دوره رواج بسیار یافته بود، با اصلاحات اجتماعی و فرهنگی خویش سعی در مقابله با این افکار نژادپرستانه در دوره خویش داشتند؛ ایشان در طول حیات شریفشان، به دست خود و در راه خدا هزار بندۀ آزاد کردند (شیخ مفید، ۱۳۱۴، ج ۲، ص ۱۴۱). امام حسن (ع) نیز با روحیه سخاوتمندانه خویش از هر زمانی برای آزادی برداشته استفاده می‌نمود؛ در روایت چنین آمده است که امام غلام سیاهی را در حال غذاخوردن دید که یک لقمه خودش می‌خورد و یک لقمه به سگی که در آن حوالی بود می‌داد، آن حضرت، دلیل کار غلام را جویاشد و غلام گفت من شرم دارم که خود بخورم و به سگ ندهم. امام هنگامی که سرشت پاک غلام را مشاهده کردند نه تنها او را خریده و آزاد کردند، بلکه با غم که غلام در آن کار می‌کرد را خریدند و به غلام بخشیدند (ابن کثیر، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۴۲). امام حسین (ع) کنیزی را به خاطر تقدیم یک گل و دیگری را به خاطر خواندن یک آیه از قرآن کریم آزاد کرد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۷۴).

امام کاظم (ع) در جواب هدیه و محبت برداشته خویش نهایت بزرگواری را در حق آنها ابراز می‌داشت و این موضوع را بهانه‌ای برای آزادساختن آنان قرار می‌داد. بغدادی در این زمینه می‌گوید: آن حضرت در مسیر باغ خویش در حرکت بود که غلامی به سمت ایشان آمد، هدیه‌ای تقدیم امام کرد و آن بزرگوار به دنبال قبول آن، نام غلام و اربابش را جویا شد و به سراغ اربابش رفت و او را خرید و سپس آزاد کرد (بغدادی، بی‌تاج ۳، ص ۲۹، ۳۰).

امام کاظم (ع) به واسطه بخورداری از فضایل اخلاقی و روح بلند و نگاه انسانی اش به برداشته تعداد زیادی غلام و کنیز را خریدند و آزاد نمودند و به همین خاطر لقب «محرّر العبيد؛ آزادکننده برداشته» گرفت (مسعودی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۹). احمد بن عبد خلف، از غلامان امام کاظم (ع)

بود که آن حضرت اقدام به خرید او و پدر و مادرش کرد و همه آنان را آزاد کرد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۵۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸، ص ۱۱۲، ۱۱۱). امام رضا (ع) نیز در راستای ترغیب امت اسلامی به آزادی برگان، به کمترین مناسبتی اقدام به آزادی غلامان و کنیزان می‌نمود تا آنجا که خطای این گروه را دستاویزی برای آزادی آنان قرار می‌داد (شیخ صدق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲۷). طبرسی نیز در این زمینه نقل کرده است که یکی از غلامان آن حضرت فرار کرد، شخصی او را پیدا کرد و در حالی که به دست و پایش غل و زنجیر زده بود، نزد امام آورد آن بزرگوار او را در این شرایط دید از خطایش چشم پوشید و او را آزاد کرد (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۴).

۴. ۹. بخشیدن خطاهای برگان

از زیباترین رفتارها و منش ائمه اطهار (ع) می‌توان به عفو و گذشت آنها در مواجهه با برگان خطکار اشاره کرد. رفتار بزرگوارانه و توان با رافت ائمه اطهار (ع) در مواجهه با برگان به گونه‌ای بود که برگان از حضور در کنار ایشان احساس آرامش و راحتی می‌نمودند؛ چنان که غلامی از غلامان امام حسن (ع) مرتكب خطایی شد که مستحق مجازات بود، غلام عبارت «والاعفِ عن الناس» از آیه ۱۳۴ سوره آل عمران را خواند و امام او را بخشید و آزاد کرد (ابن‌بابویه، ۱۴۱۷، ص ۲۴۴).

کلینی نقل می‌کند که غلامان امام کاظم (ع) در باغی مشغول بریدن خوشه‌های خرما بودند و یکی از غلامان در حین چیدن خرمها تعدادی از خوشه‌ها را به بیرون از باغ می‌انداخت و با این کار خوشه‌های خرما را برای خودش بر می‌داشت، امام کاظم (ع) از او علت رفتارش را جویا شد و او در پاسخ آن بزرگوار گستاخانه گفت: خواستم که چنین کنم. آن حضرت به رغم این رفتار نامناسب، خرمایی را که برداشته بود به او بخشید (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸، ص ۱۱۵).

امام حسن عسکری (ع) در برابر خطای غلامان با مدارا و نرم خوبی با آنان برخورد می‌کرد و تا آنجا که ممکن بود از مجازاتشان صرف نظر می‌کرد. هنگامی که امام حسن عسکری (ع) پس از شهادت پدر بزرگوارشان مشغول غسل آن حضرت بودند، مقداری از لباس‌ها و پول‌های امام به وسیله غلامانشان به غارت رفت. ایشان پس از فارغ شدن از این امر و آگاهی از دزدی، آنان را فراخواند و از آنها خواست که وسایلی را که برداشته‌اند باز گردانند، امام به رغم اگاهی از اشتباه غلامانش، بزرگوارانه از خطای آنها درگذشت (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۲۵۹، ۲۶۰).

۴. تعلیم و تربیت بردگان

پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار در دوران حیات شریفشان سعی در آگاه نمودن و تربیت غلامان و کنیزان خویش داشتند که برخی از آنان از پیروان مکتب تشیع و از مدافعان سرسخت آنان شدند. یکی از شیوه‌های ائمه (ع) خرید بسیار زیاد غلامان و آوردن آنها در خانه و قرار دادن آنان تحت تعلیم و تربیت اصیل اسلامی و پرورش فکری و معنوی و سپس آزادسازی آنان بوده است. تعلیم و تربیت بردگان و آموزش مبانی اسلام به این گروه سبب شد تا افرادی مانند نصر بن ابی نیزر و سعد از تربیت یافتگان امام علی (ع) (شیخ عباس قمی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۶). منهج غلام امام حسن (ع) (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۹۳) و اسلم وقارب از غلامان امام حسین (ع) (قرشی، بی‌تا ج ۳، ص ۱۸۰) جون غلام ابوذر که در محضر این بزرگان معرفت آموخته بودند. در واقعه کربلا از سربازان وفادار امام حسین (ع) باشند. امام سجاد (ع) پس از واقعه کربلا در فضای سیاسی خفقان آور امویان برای گسترش اسلام حقیقی به نگهداری و تربیت بردگان و کنیزان می‌پرداختند. حضرت در راستای این امر مهم پس از خریداری بردگان و کنیزان به آموزش و تعلیم بردگان می‌پرداختند. برخی از این بردگان مانند اسحاق بن یسار، عبدالله بن عطا، سالم بن ابی حفصه و سدیر با تعلیمات حضرت توانستند افرادی برجسته و صاحب‌نام شوند.

از راهکارهای مؤثر امام باقر (ع) که زمینه‌ساز رشد بردگان و موالی در جامعه شد، تلاش بی وقهه ایشان در راستای جذب تعلیم و تربیت این گروه بود؛ به نحوی که تعداد قابل توجهی از افراد و دانش آموختگان مکتب امام باقر (ع) را بردگان و موالی تشکیل می‌دادند که اسامی تعدادی از آنها مانند اسحاق بن یسار، حبیب بن حسان، حمران بن اعین شبیانی، در کتب رجالی ذکر شده است (طوسی، ۱۳۷۳، ج ۱۰۵، ص ۱۱۶).

در دوران امام کاظم (ع) تعلیم و تربیت این قشر از جامعه به سختی صورت می‌گرفت و امام کاظم (ع) در اوضاع خاص سیاسی آن زمان که فعالیت علمی را محدود می‌نمود، سعی در آموزش کسانی مانند احمد بن محمد بن ابی نصر و حسن بن محجوب سراد (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ص ۴۰۶) و یونس بن عبدالرحمن (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۴۶) که دارای تألیفاتی هستند، را داشت.

ائمه اطهار (ع) از هر لحظه برای آموزش مبانی اسلامی به غلامان و کنیزان خود بهره می‌جستند و سعی در اصلاح رفتارهای ایشان داشتند و با سخنان وزین و رفتار و منش خویش به آنان درس چگونه زیستن و زندگی شرافتمدانه می‌دادند؛ چنان که زمانی که هارون الرشید کنیزی را نزد امام کاظم (ع) فرستاد تا در امام لغتش ایجاد کند، آن حضرت با عبادت و رفتار خویش او

را به فردی که لحظه‌ای از یاد خدا غافل نمی‌شد، تبدیل کرد (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸، ص ۲۲۸). همچین هنگامی که امام رضا (ع) مشاهده کردند غلامان میوه‌ها را به صورت نیم خورده بر روی زمین می‌اندازند، به آنان فرمودند: اگر به همه میوه‌ای که می‌خورید نیاز ندارید آن را به کسانی بدهید که احتیاج دارند بدهید (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴۹، ص ۱۰۲) از دیگر نمونه‌های آموزش امام رضا (ع) می‌توان به تعلیم ذکری به غلامش که خواندن آن موجب مقبولیت توبه می‌شد، اشاره کرد (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵۳). امام هادی (ع) نیز همانند دیگر ائمه (ع) به تربیت و ارتقای سطح علمی برдگان و کنیزان در جامعه اسلامی توجه فراوانی داشت و به تعلیم آنان می‌پرداخت که از آن جمله می‌توان به «خیران خادم» از غلامان و شاگردان حضرت اشاره کرد (برقی، ۱۳۴۲، ص ۳۸۶).

۴. ۱۱. پیوند ائمه (ع) با کنیزان



پیامبر اکرم (ص) به عنوان الگو و اسوه در جامعه اسلامی با ازدواج با کنیزان، موقعیت و جایگاه آنان در جامعه اسلامی را دگرگون ساخت به گونه‌ای که حضور کنیزانی مانند ماریه، ریحانه (طبری، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۹۶) جویره^۱ در کنار همسران آزاد ایشان، موجب ارتقای جایگاه کنیزان در جامعه اسلامی شد. ازدواج ائمه (ع) با کنیزان، برای حفظ شخصیت و احترام به کرامت انسانی بردگان بود و اندیشهٔ مساوات گرایانهٔ اسلام درباره بردگان و آزادگان را ترویج می‌کرد، زمینه‌ای مناسب برای آزادی ایشان فراهم می‌آورد؛ زیرا طبق قوانین اسلامی، هر کنیزی که از صاحب خود دارای فرزند می‌شد (ام و ولد) آزاد بود. ائمه (ع) در انتخاب همسر، که پایه اصلی برای زمینه‌سازی تربیت صحیح فرزندان است، دقت بسیار داشتند. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «نگاه کن و توجه نما که خود را در چه موقعیتی قرار می‌دهی و چه کسی را شریک زندگی و اموالت می‌کنی و چه کسی را از دین و رمز و راز زندگی آگاه می‌سازی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۳۲). در منابع تاریخی، موارد مختلفی از ازدواج ائمه (ع) با کنیزان گزارش شده است؛ مانند ازدواج امام علی (ع) با خوله (مادر محمد حنفیه)، کنیزی از قبیله بنی زیدی، الصهباء از قبیلهٔ تغلیبه، مادر عمر الاطرف، ام سعید بنت عروة بن مسعود، مادر رمله (شیخ مفید، ج ۱، ص ۳۵۴) و ازدواج امام حسین (ع) با شهربانو مادر امام سجاد (ع)، ازدواج امام سجاد (ع) با کنیز آزادشده‌اش (مادر زید).

۱. «جویره» از کنیزان آزاد شده پیامبر اکرم (ع) بود (مسعودی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۸۹).

از میان همسران کنیز ائمه (ع) گروهی بودند که افزون بر همسری ائمه (ع) مادران ائمه نیز بودند؛ مانند حمیده یکی از همسران امّ ولد امام صادق (ع) که مادر امام کاظم (ع) است (بحاری، ۱۴۰۹، ق، ج، ۱۰، ص ۲۱). از روایات مختلف چنین استباط می‌شود که امام موسیٰ کاظم (ع)، نجمه یا نکتم را که کنیزی مولده بوده و توسط حمیده مصفا، مادر امام خریداری شده بود به همسری برگردید (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ج، ۲، ص ۲۶).

همسر بزرگوار امام رضا (ع) و مادر امام جواد (ع)، ام ولدی به نام سبیکه یا خیزران معروفی شده است (شیخ مفید، ۱۳۷۹، ج، ۲، ص ۲۷۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ج، ۲، ص ۹۱). همسر رسمی امام جواد (ع) ام فضل دختر مأمون بود که از او صاحب فرزند نشد (علوی، ۱۴۲۲، ق، ص ۱۲۸) و از همین رو، امام محمد تقی (ع) جاریه‌ای انتخاب نمود و از او صاحب چهار فرزند به نام‌های علی، خدیجه، ام کلثوم و حکیمه شد^۱ (طبری، ۱۴۱۳، ۳۹۷). کلینی با نقل یکی از روات موثق شیعه، مادر امام هادی (ع) را کنیزی به نام «سمانه» معرفی کرده است (کلینی، ۱۳۶۲، ج، ۱، ص ۴۸۹).

همسر امام هادی (ع) و مادر امام حسن عسکری (ع) کنیزی به نام حدیث یا سوسن (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ۴۸، ۱۳۷۸) از اهالی نوبه جنوب مصر بود. همسر ام ولد امام حسن عسکری (ع) و مادر حضرت مهدی (عج)، بانوی رومی به نام نرجس خاتون بود (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۴) که زیر نظر حکیمه خاتون تربیت شده بود و نزد امام از احترام ویژه‌ای برخوردار بود. ائمه اطهار (ع) با ازدواج با این بانوان و فرزند دار شدن از آنان موقعیت و جایگاه آنان را در جامعه اسلامی ارتقا بخشیدند و بالاترین درجه برای کنیزان ام ولد که تربیت امامان معصوم بود را به آنها محول کردند.

۷. نتیجه‌گیری

بردگان در حجاز پیش از اسلام، پست‌ترین طبقه اجتماعی عرب را به حساب می‌آمدند و هیچ حرمت و جایگاهی در اجتماع نداشتند. اسلام سعی کرد با آگاهی بخشیدن به مردم با این سنت غلط مبارزه کند و با وضع قوانینی، برای رهایی تدریجی بردگان اقدام نماید. پیامبر اکرم (ص) در طول حیات خویش با سیره عملی خویش و همچنین با سخنانی در ذکر اهمیت آزادی بردگان، مسلمانان را به این امر ترغیب کردند.

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و با روی کار آمدن خلفا، نظام اشرافی‌گری و تبعیض قبیله‌ای

۱. البته، اقوال در باب تعداد فرزندان منسوب به امام جواد (ع) مختلف است (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۲۷).

و نژادی دوباره در جامعه اسلامی پدیدار گشت. با توجه به مدارک و شواهد تاریخی، چنین استبطاط می‌شود که رویکرد حاکمان و جامعه اسلامی با رویکرد ائمه (ع) که منطبق بر قرآن بود، نسبت به بردگان اعم از غلامان و کنیزان - تفاوت اساسی داشته است؛ به طوری که غلامان و کنیزان خریداری شده در جامعه اسلامی، همچنان در جایگاه تحقیر گونه‌ای به سر می‌برند؛ در حالی که ائمه (ع) با داشتن نگاهی انسانی بر گرفته از مبانی اسلام به بردگان و ضمن تکریم و آزاد کردن بردگان و ازدواج با کنیزان و با رفتار و سیره عملی خود، سعی کردند جایگاه بردگان و مقام کنیزان را به عنوان همسر و مادران امامان معصوم (ع) در جامعه ارتقاء بخشنند. ائمه اطهار (ع) نوعی راهکار عملی برای مقابله با بردهداری در پیش گرفتند که این اقدامات و سپردن مسئولیت‌های مهم و حساس مانند وصایت در امور دینی و اقتصادی و انتخاب آنان به عنوان حافظ اسرار امامت موجب ارتقاء جایگاه اجتماعی این قشر در جامعه شد. همچنین ائمه (ع) از میان این بردگان محدودیتی تربیت کردند که در شرایط ویژه مردم را رهنمون بودند.



فهرست منابع

* قرآن کریم.

- ابن اثیر، عزالدین علی. (۱۳۵۵). کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران. (ترجمه: عباس خلیلی)، تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- ابن بابویه، محمد ابن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۸). عيون اخبارالرضا. (چاپ اول). (ترجمه: مهدی لاجوردی). تهران: نشر جوان.
- ابن بابویه، محمد ابن علی (شیخ صدوق). (۱۴۰۵ ق). کمالالدین و تمام التمعة. (ترجمه: تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری). تهران: اسلامیه. چاپ دوم.
- ابن بابویه، محمد ابن علی (شیخ صدوق). (۱۴۰۵ ق). کمالالدین و تمام التمعة. (ترجمه: تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری). قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن سعد، محمد. (۱۳۷۵). طبقات. (ترجمه: محمود مهدوی). تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- ابن شهرآشوب، محمدمبن علی. (۱۳۷۶ ق). مناقب آل ابی طالب. (تحقيق: جمعی از اساتید نجف اشرف). بی‌جا.
- ابن صباغ، علی بن محمد. (۱۴۲۲ ق). الفصول المهمة في معرفة الأئمة. قم: دارالحدیث.

ابن عبدربه، ابی عمر احمد بن محمد. (١٣٧٢ق). عقدالفرید. (تصحیح: محمد امین). قاهره: دارالکتاب العربي.

ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله. (١٤١٨ق). عيون الاخبار . بیروت: دار الكتب العلمية.
 ابن کثیر، اسماعیل بن عمر قرشی. (١٣٩٤ق). البدایه والنهایه فی التاریخ . بیروت: دارالمعرف.
 ابن منظور، محمدبن مکرم. (١٤٠٥ق). لسان العرب. (چاپ اول). قم: نشر ادب الحوزه.
 ابن هشام، عبدالملک. (١٣٩٢ق). سیره النبویه (سیرت رسول الله). (ترجمه مسعود انصاری). قم: انتشارات مولی.

اربلی، علی بن عیسی. (بی تا). کشف الغمہ فی معرفة الانہم. (ترجمه: علی بن عیسی زواره‌ای).
 تهران: نشر ادب الحوزه.

انصاری، مرتضی (شیخ مرتضی انصاری). (١٤١١ق). المکاسب. قم: چاپخانه خیام.
 بحرانی، سید هاشم. (١٤٠٩ق). عوالم. قم: تحقیق و نشر مؤسسه امام مهدی (عج).
 برقی، احمدبن محمد. (١٣٤٢ش). رجال البرقی. (مصحح: حسن مصطفوی). تهران: انتشارات داششگاه تهران.

بوازار، مارسل. (١٣٥٨). اسلام و حقوق بشر. (ترجمه: محسن مؤیدی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد. (١٣٦٦ش). تصنیف غرر الحكم. (تحقيق: مصطفی درایتی). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

طبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی). (١٣٨٦ش). الروضۃ البهیۃ فی شرح اللمعۃ الدمشقیۃ.
 (تحقيق: سید محمد کلاتر). بیروت: موسسه علمی للمطبوعات.

جعفریان، رسول. (١٣٧٦). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام. قم: انصاریان.

جعفری، محمد تقی. (١٣٩٠). حقوق جهانی بشر. تحقیق و تطبیق در دو نظام (از دیدگاه اسلام و غرب) و تطبیق آن دو بر یکدیگر، قم: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
 جواد علی. (١٩٧٦م). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بیروت: دار العلم للملائین. بغداد: مکتبة النھضة.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (شیخ حرّ عاملی). (١٤٠٧ق). وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشیعه. (تحقيق: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث). چاپ دوم، قم: انتشارات مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (شیخ حرّ عاملی). (١٤١٢ق). هدایت الامه الى احکام الانہم.

- مشهد: مجمع البحوث الاسلامية.
- حرانی، حسن بن علی (ابن شعبه حرانی). (١٣٦٣). تحف العقول عن آل الرسول. (مصحح: علی اکبر عباسی). قم: جماعتہ المدرسین فی حوزہ علمیہ قم حسینی، سید ابراهیم. (١٣٨٣). حقوق بشر و چالش‌های فراور در آئینه فلسفه حقوق اسلامی. نشریه معرفت. قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- حلی، یحیی بن سعید. (١٤٠٩ق). الجامع للشرايع. قم: مؤسسہ سید الشهداء العلمیہ. حیدری، احمد. (١٣٨٧). بزرگ زنان صدر اسلام. قم: نشر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- خطیب بغدادی، ابویکر احمد بن علی. (بی‌تا). تاریخ بغداد. بیروت: دار الكتب العلمیہ.
- دهخدا، علی اکبر. (١٣٧٧). لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران راوندی، قطب الدین. (١٤٠٩ق). الخرائج والجرائح. (چاپ اول). قم: مدرسه الامام المهدی.
- زمخشی، ابوالقاسم محمود بن عمر. (١٤١٢ق). ربیع الابرار و نصوص الاخیار. (چاپ اول). بیروت: مؤسسہ الاعلمی للمطبوعات.
- زیدان، جرجی. (١٣٥٦ش). تاریخ تمدن اسلام. (ترجمہ: علی جواہر کلام). تهران: امیرکبیر.
- سید رضی. (١٣٨٦ش). نهج البلاغه. (چاپ اول). (ترجمہ محمد دشتی). قم: نشر مشرقین.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان. (١٤١٣ق). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. (ترجمہ: سید هاشم رسولی محلاتی)، تهران: انتشارات علمیہ اسلامیہ.
- طباطبائی، سید محمدحسین (علامہ طباطبائی). (١٣٦٤ش). تفسیر المیزان. (ترجمہ: سید محمد باقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ.
- طبرسی، فضل بن حسن. (١٣٩٠). اعلام الوری. تهران: نشر اسلامیہ.
- طبری، محمد بن جریر. (١٣٦٢). تاریخ الرسل والملوک. (ترجمہ: ابوالقاسم پاینده). تهران: انتشارات اساطیر.
- طبری، محمد بن جریر. (١٤١٣ق). دلائل الامامه. قم: نشر بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن. (١٣٦٤ش). تهذیب الاحکام فی شرح مقنعه شیخ مفید. (ترجمہ: علی آخوندی). تهران: دار الكتب الاسلامیہ.
- طوسی، محمذبن حسن. (١٣٨٧). المبسوط فی فقه الامامیه. (محقق: محمد باقر بهبودی). تهران: مکتبة المرتضویه لاحیاء الاثار الجعفریه.
- طوسی، محمذبن حسن. (١٤١١ق). الغیبة. بنیاد معارف اسلامی قم. تهران: مکتبة نیوی.
- علوی، علی بن محمد. (١٤٢٢ق). المجدی فی انساب الطالبین. (چاپ دوم). قم: مکتبة آیة الله

مرعشی النجفی.

غزالی، ابوحامد محمد. (۱۳۷۴ ش). کیمیای سعادت. (به کوشش حسین خدیوجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی ایران.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). کتاب العین. (تحقيق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی). بی‌جا: دارالهجره.

فُربانی، زین العابدین. (۱۳۷۲). اسلام و حقوق بشر. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
قرشی، باقر. (۱۴۱۳ ق). حیة الامام موسی بن جعفر، بی‌جا.

قمی، عباس. (شیخ عباس قمی). (۱۴۱۲ ق) متنه‌ی الامال. (چاپ پنجم). قم: انتشارات هجرت.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲). الکافی. (چاپ چهارم). علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب
الاسلامیه.

لوبون، گوستاو. (۱۳۵۸). تمدن اسلام و غرب. (ترجمه: سید هاشم حسینی). تهران: انتشارات
اسلامیه.

لیشی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶ ش). عيون الحكم والمواعظ. (مصحح: حسین حسینی
بیرجندی). قم: انتشارات دارالحدیث.

مجلسی، محمد باقر (علامه مجلسی). (۱۴۰۳). بحار الانوار. (چاپ دوم). بیروت: دار احیاء
التراث العربي.

مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۷۰ ش). مروج الذهب ومعادن الجوهر. (ترجمه: ابوالقاسم
پاینده). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۱۷ ق). اثبات الوصیه. قم: انصاریان.
مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). آشنایی با قرآن. (چاپ پنجم). تهران: انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی. (۱۳۹۳). بردگی در اسلام. (چاپ اول). تهران: انتشارات صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موسوی خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۳۶۸). منهاج الصالحين. قم: موسسه اسلامی خوئی.
موتسکیو، شارل. (۱۳۶۲). روح القوانین. (چاپ هشتم). ترجمه: علی اکبر مهتدی). تهران:
انتشارات امیرکبیر.

میرشریفی، سیدعلی. (۱۳۹۵). سرنوشت اسیر در اسلام. تهران: انتشارات سمت.
نجفی، محمد حسن. (صاحب جواهر). (۱۳۶۲). جواهر الكلام في شرح شرایع الإسلام (ترجمه:
عباس قوچانی). تهران: موسسه نشر اسلامی.